



سه‌شنبه
۳۰ تیر ۱۴۰۵
۶ صفر ۱۴۴۸
۲۱ جولای ۲۰۲۶

شماره
۴۷۶۲
۸ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

فرهیختگان

جام جهانی ۲۰۲۶ یکی از سیاسی‌ترین رویدادهای ورزشی تاریخ بود
قاب پایانی این جام معانی زیادی دارد

ترامپ عموی‌شان نبود

چرا جامعه ایرانی حس مثبتی نسبت به قهرمانی اسپانیا بروز داد؟

جریان ضد ایرانی در حال فروش پروژه‌های توهمی جدید به ترامپ است

اف‌دی‌دی یا همان ایرانی با پرچم اسرائیل...

گروه‌های تجزیه‌طلب در اقلیم چه می‌کنند؟

گزارش
«فرهیختگان»
از زیست
اقتصادی
گروهک‌های
ضد ایران

گزارش «فرهیختگان» از برگزاری نخستین دفاع‌های دوره دکتری دفتر دانشگاه آزاد اسلامی لبنان

گزارشی از برنامه‌های تلویزیون و پلتفرم درباره جام جهانی

واکنش ۵۱۷ استاد دانشگاه آزاد به بیانیه موسوم به «جنگ نمی‌خواهیم»:

تهران - بیروت
پژوهش بدون توقف

گزارشگران به جای تیم ملی
جوان شدند

صلح بر پایه ضعف، دعوت
دشمن به تجاوز دوباره است

از شکست محاسبات آمریکا تا بازآفرینی قدرت راهبردی ایران

یادداشت
داود منظور
رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم

به استناد یکی از مقالات اخیر مجله فارن افز یکی از مهم‌ترین خطاهای محاسباتی آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه این بود که تصور می‌کردند این جنگ می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به فروپاشی، تسلیم یا عقب‌نشینی راهبردی نزدیک کند؛ اما نتیجه جنگ چیز دیگری بود و ایران نه تنها از صحنه حذف نشد، بلکه در مسیر بازسازی درونی قدرت و تعریف تازه‌ای از راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی خود قرار گرفت. ارسوی دیگر، این جنگ به نوعی انتقال بین‌نسلی در ساخت قدرت ایران را شتاب بخشید. به طوری که نسل جدید فرماندهان، مقامات امنیتی و تصمیم‌گیران اجرایی، بر اساس تجربیات حاصل از جنگ اخیر و با منطق بازدارندگی، ظرفیت‌سازی و اداره کشور در شرایط فشار، جنگ و رقابت منطقه‌ای نقش پررنگ‌تری در مدیریت تحولات یافته‌اند. مسئله اصلی این نسل، صرفاً دفاع از وضع موجود نیست، بلکه چگونگی اداره کشور در شرایط تهدید مستمر، تحریم، فشار خارجی و رقابت منطقه‌ای است. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران که همواره منبع اصلی قدرت خود را در مردم پایه بودن تلقی کرده به سمت نوعی دولت‌مداری ناشی از شرایط امنیتی‌توأم با انسجام ملی راهبردی حرکت کرده است. این رویکرد به معنای تغییر زبان و منطق سیاست‌گذاری در راستای تقویت ماندگاری، حاکمیت ملی، توان دفاعی، امنیت سرزمینی، تاب‌آوری و کارآمدی اجرایی است.

بر همین اساس ایران با درس گرفتن از جنگ اخیر، در حال سازگار کردن ساختارهای خود با واقعیت‌های جدید است. بازآرایی نظامی، اصلاح سازوکارهای تصمیم‌گیری، تقویت تاب‌آوری، تمرکززدایی اجرایی، بازسازی رسانه‌ای و نقش آفرینی گسترده‌تر مردم در دفاع از کشور، همگی نشان می‌دهد که جنگ برای ایران فقط یک حادثه نظامی نبوده؛ بلکه تجربه‌ای راهبردی برای بازشناسی نقاط ضعف و قوت کشور محسوب می‌شود. در این چهارچوب، تنگه هرمز به یکی از محورهای اصلی راهبرد جدید ایران تبدیل شده است. هرمز برای ایران فقط یک گذرگاه دریایی نیست؛ بلکه اهرم بازدارندگی، ابزار چانه‌زنی و بخشی از جغرافیای حیاتی امنیت ملی است. ایران پس از جنگ کمتر به وعده‌های غرب درباره رفع تحریم اعتماد دارد و بیش از گذشته به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی خود برای دفاع از منافع ملی تکیه می‌کند.

ادامه در صفحه ۶

منطق جنگ آینده‌ها در نبرد ایران و آمریکا

یادداشت
سعید سیفی
تحلیلگر مسائل راهبردی

در جنگ تحمیلی آمریکا و متحدانش علیه ایران، به خصوص در هفته‌های اخیر و از میانه خرداد تا روزهای اخیر در تیرماه ۱۴۰۵ و اوج گرفتن جنگ هرمز، نکته‌ای در الگوی واکنش‌های دفاعی ایران، جلب توجه می‌کند که فراتر از جزئیات میدانی هر عملیات، یک منطق راهبردی منسجم را آشکار می‌سازد. نمونه‌های مصادق این الگو در همین هفته‌های اخیر کم نیستند؛ زمانی که نیروهای آمریکایی در شانزدهم خرداد ۱۴۰۵ تأسیسات راداری و نظارت ساحلی در منطقه سیریک و جزیره قشم را هدف قرار دادند، پاسخ نیروهای مسلح ایران متوجه سایت‌های راداری و مراکز نظارتی آمریکا و متحدانش در منطقه شد. زمانی که فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه موسوم به سنترکام (CENTCOM)، مدعی شد در پیست ویکم تیرماه سامانه‌های دفاع هوایی، سایت‌های رادار ساحلی و قابلیت‌های موشکی و پهپادی ایران را هدف گرفته، پاسخ نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دقیقاً از همان جنس بود. ناپودی یک سامانه راداری راهبردی موسوم به اف‌پی‌اس (FPS) در پایگاه احمد الجابر کویت، مرکز فرماندهی و کنترل پهپادی و آشیانه هواپیمای جنگ الکترونیک پی-۸ (P-8) در پایگاه شیخ عیسی بحرین و مرکز فرماندهی و آشیانه‌های پهپادهای ام‌کیو-۹ (MQ-9) در پایگاه امیر حسن اردن، حتی در سطح خردتر، آنگاه که یک دکل مخابراتی در جزیره قشم هدف حمله آمریکا قرار گرفت، واکنش متقابل نیز متوجه تأسیسات ارتباطی و راداری آمریکا و متحدانش در منطقه، از جمله سایت رادار کوه دخان در بحرین بود. این تقارن آگاهانه میان کنش و واکنش، نه تنها تصادفی نیست، بلکه بازتاب یکی از کهن‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین الگوهای رفتاری در تاریخ جنگ‌هاست که در ادبیات نظری روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک، جایگاهی ویژه دارد. اهمیت پرداختن به این موضوع در لحظه کنونی از آن روست که فهم دقیق منطق حاکم بر این الگو، نه تنها به تحلیل درست و بهتر تحولات جاری کمک می‌کند، بلکه چهارچوبی برای پیش‌بینی مسیر محتمل بحران و ارزیابی گزینه‌های پیش‌روی تهران فراهم می‌آورد.

ادامه در صفحه ۶

